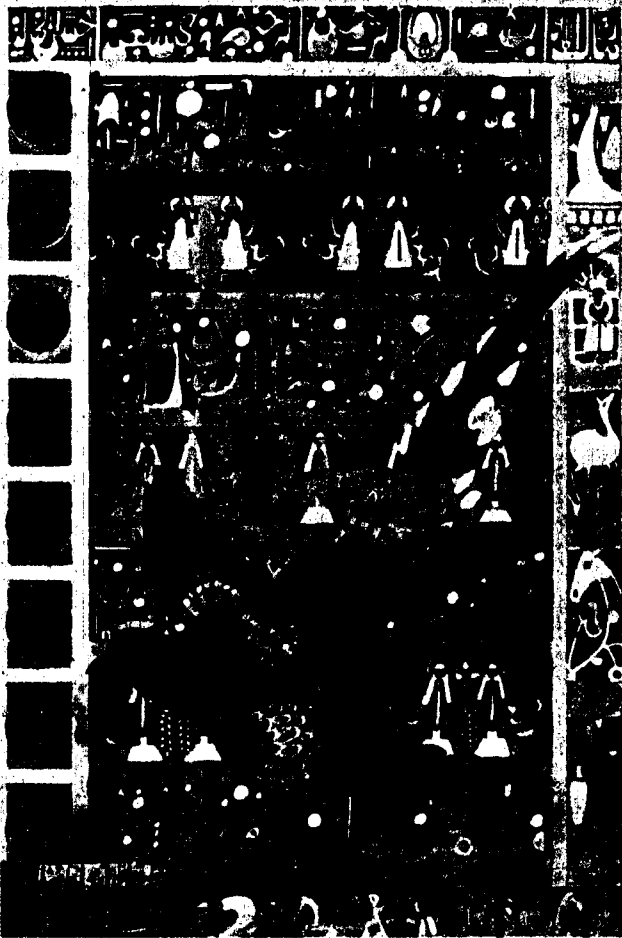


مکتب ادبی در تفسیر

دیدگاه‌های قرآنی امین خولی

دکتر مرتضی کریمی نیا



مکتب ادبی در تفسیر امین خولی

هدف این مدرسه آن بود که قضات آینده مصر را علاوه بر تعلیم دانش‌های سنتی، با مفاهیم و موضوعات دنیای مدرن آشنا کند. وی از سال ۱۹۲۳ به مدت ۴ سال سر کنسول مصر در امور مذهبی در ۲ شهر رم و برلین بود و در مدت اقامت در اروپا با زبان‌های ایتالیایی و آلمانی، پژوهش‌های مستشرقان درباره اسلام و نیز برخی آثار ادبی غرب از مؤلفانی چون لوتیجی رونالدو و سلیستینو چیاپارتی از نزدیک آشنایی یافت. در سال ۱۹۲۷ پس از بازگشت به مصر مجدداً به تدریس در «مدرسه القضاء الشرعی» و همکاری با دپارتمان اصول الدین دانشگاه الازهر پرداخت. یک سال بعد با انتقال به دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره به تدریس در آنجا پرداخت و در همان جابه‌جایی به سمت استادیاری، ریاست دپارتمان زبان عربی و زبان‌های شرقی و استادی ادبیات مصری رسید. ۲ سال بعد از کودتای افسران آزاد، امین خولی با تنی چند از دیگر استادان دانشگاه‌های مصر در جریان پاکسازی فرهنگی (در ۱۹۵۴) از دانشگاه کنار گذاشته شدند. وی مدتی منتشر فنی دارالکتب المصریه بود، سپس به مدیریت امور فرهنگی در وزارت آموزش و پرورش رسید و در ۱۹۵۵ نیز بازنشسته شد.

در سال ۱۹۴۳، امین خولی همراه تنی چند از شاگردان خود حلقه‌ای ادبی به نام «الانما» تشکیل دادند که در پی تحقیق و گسترش اهداف ادبی و هنری در مجامع علمی و مطبوعاتی مصر بود. این گروه، آراء اندیشه‌ها و مطالب ادبی خود را در مجله‌ای به نام «مجله الادب» منتشر می‌کردند که مدیریت آن را امین خولی تا زمان وفاتش در ماه مارس ۱۹۶۶ بر عهده داشت. وی همچنین با دانشمندانی چون همپتون گیب، محمود شلتوت، حامد عبدالقادر و بعضی دیگر، عضو «مجمع اللغة العربیه» بودند. وظیفه خاص این گروه تدوین یک فرهنگ قرآنی بود که بعدها با نام «معجم الفاظ القرآن الکریم» منتشر شد. امین خولی تنها بخش چهارم این مجموعه (از حرف صاد تا حرف فاء) را تدوین کرد. زبیرا بیش از تدوین بخش بعدی در نهم مارس ۱۹۶۶ درگذشت.^(۱)

مقاله «تفسیر» در دائرة المعارف الاسلامیه

امین خولی را می‌توان از چهره‌های اصلاح‌طلب و نواندیش زمان خود به‌شمار آورد. وی هیچ اثر کامل و مستقلاً در زمینه تفسیر قرآن ننوشت اما آثار وی در باب تاریخ و روش‌های تفسیر قرآن، تأثیر فراوانی بر مکاتب تفسیری معاصر در جهان اسلام به ویژه مصر گذاشت. علاوه بر حیات علمی وی، مجموعه مقالاتش در باب نحو، تفسیر و بلاغت که در کتاب «مناهج تجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب» (چاپ اول، قاهره، ۱۹۵۱) به چاپ رسید، گواه این نکته است. از این میان، ۲ مقاله «بلاغت» و «تفسیر» وی شهرت بسیار دارند که وی هر دو را در «دائرة المعارف الاسلامیه» منتشر ساخت. این دائرة المعارف ترجمه‌ای است از ویرایش نخست دایره المعارف اسلام Encyclopaedia of Islam مترجمان آن، در بعضی موارد مقالاتی تألیفی از محققان مسلمان عرب در آن گنجانده‌اند. امین خولی در مقاله تفسیر خود (دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۹، صص ۴۳۸-۴۱۱) که بعدها به صورت کتابی مستقل نیز به چاپ رسیده است (التفسیر: معالم حیات، منهجه التیوم، قاهره، ۱۹۴۹)، نخست از پیدایش دانش تفسیر و نیز از نخستین مفسران سخن می‌گوید، سپس به تفصیل بحثی درباره تفسیر مائور و نقلی می‌پردازد و در پی آن، آرای مؤلفان و مخالفان تفسیر علمی را ارائه می‌کند. آخرین بخش مقاله وی «تفسیر در روزگار کنونی» (التفسیر

۱۹۰۵-۱۸۴۹) است. (۱) سبک تفسیری این مصاح معروف را می‌توان «تفسیر هدایتی» نامید چرا که وی اصلی‌ترین و برترین هدف تفسیر را کسب هدایت از قرآن می‌دانست.^(۲) بسیاری از تفسیر پژوهان معاصر سبک و الگوی وی در تفسیر قرآن را بر بیشتر مفسران معاصر همچون محمود شلتوت، محمد عبدالله دراز، امین خولی، عبدالقادر مغربی، محمد مصطفی مراغی، محمد فرید وجدی و عائشه بنت الشاطی تأثیر گذار می‌دانند. بدیهی است وی در این نکته وامدار استاد و مراد خود - سید جمال الدین اسدآبادی - بوده است. سیدجمال علاوه بر آنکه در تفسیر برخی آیات قرآن برداشت‌های جدیدی ارائه می‌داد، علی‌العموم مسلمانان و به‌ویژه عالمان اسلامی را هشدار می‌داد که به جای کسب هدایت از قرآن و در زمان دردهای اجتماعی‌شان، تنها به تفسیر اموری چون باه بسمله اکتفا نکنند.^(۳)

امین خولی؛ زندگی و آثار
از مهم‌ترین شاگردان غیر مستقیم عبده، امین خولی است که خود در فضای ادبی و قرآنی مصر بسیار تأثیر گذار بود. وی در اول ماه مه ۱۸۹۵ در شوشای مصر متولد شد، در «مدرسه القضاء الشرعی» تحصیل کرد و پس از فارغ‌التحصیلی از آن در ۱۹۲۰، به تدریس در همان جا و سردبیری مجله آن مدرسه در ۲ سال نخست انتشار پرداخت. این مدرسه، از مدارس طراز اول مصر بود که مصلح معروف، شیخ محمد عبده آن را تأسیس کرده بود.

«مکتب ادبی در تفسیر» از جمله روش‌های تفسیری در دوره معاصر است که ریشه در سنت کهن تفسیر دارد. بعضی مفسران ادبی قرون دوم و سوم هجری چون ابن قتیبه، ابوعبیده، ابوعبید، کسائی و فراء، بیشترین تلاش خود را در تبیین وجوه صرفی، نحوی و گاه بلاغی آیات قرآن به کار برده‌اند. در قرون بعدی، تکیه بر جنبه‌های ادبی و بلاغی در آثار زمخشری، شریف رضی، شریف مرتضی و شیخ طوسی بیشتر شده و گاه در تفاسیری چون «بحر المحيط» ابوحیان غرناطی به افراط کشیده شده است. در طول تاریخ تفسیر این گرایش‌های مختلف را با تعابیر مختلفی چون تفسیر لغوی، تفسیر نحوی، تفسیر بیانی، تفسیر بلاغی و احيانا تفسیر ادبی نامگذاری کرده‌اند. در قرن اخیر، امین خولی - ادیب و متفکر مشهور مصری - گونه‌ای از تفسیر را بر این مجموعه افزود و آن را «مکتب ادبی در تفسیر» نامید. در مقاله حاضر، جوانب مختلف نظریه ادبی امین خولی در تفسیر قرآن، با شرح مختصری از زندگی و آثار وی آمده است.

چنانچه از بهارهای گرایش‌های تفسیری نوین در شبه‌قاره و ایران چشم‌پوشی کنیم، امروزه عموماً این رای مورد اتفاق نظر است که پایه‌گذار حرکت نوین در تفسیر قرآن دست کم در جهان عرب - شیخ محمد عبده

راهی بخش و دارای مواضع صریح در مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد.
۴- عرفان شیعی: مهم‌ترین موضوع عرفان اسلامی، انسان کامل است. عرفان می‌کوشد تا هم از جهت نظری و هم عملی، رهیافت‌های تحقق انسان کامل را بیان کند. انسان کامل در عرفان شیعه، تنها و تنها امام است. از ویژگی‌های این عرفان، جامعه‌گرایی آن است؛ چنان‌که از هنر و ادبیات گرفته تا زندگی و عبادت را شامل می‌شود و هیچ‌گاه از وجه حماسی آن جدا نبوده است. امام علی^(ع) نماد حماسه و عرفان در تمام وجوه زندگی است. ۵- جامعه مدنی: تئوری حکومت ولایتی نزد شیعه بستر تحقق جامعه مدنی شیعی است. حقوق شهروندی، تکالیف حکومت، عدالت اجتماعی، حقوق بشر اسلامی و توسعه از مواردی است که با تکیه بر تئوری ولایت و به‌ویژه مدل حکومت امام علی^(ع) تحقق می‌یابد. عدالت، راهبردی‌ترین مفهوم توسعه و جامعه مدرن است که در تئوری حکومت ولایتی از جایگاهی والا برخوردار است. توسعه بدون عدالت اجتماعی، ارزشمند نیست. اینکه جامعه‌های ثروتمند تحقق یابند بدون این‌که راهکارهای مناسبی برای توزیع ثروت اندیشیده‌شده مطلوب نیست. نگاه شیعه به توسعه و جامعه مدنی، امری ترکیبی است؛ از یک سو به توسعه و جامعه مدنی به‌عنوان راهکار پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نگریسته می‌شود و از سوی دیگر اگر آن توسعه تهی از ارزش‌های مطلوب آن باشد، در نظر او نافر جام خواهد بود.

۶- اسلام سیاسی: یکی از اصطلاحات جدید گفتار سیاسی معاصر، اسلام سیاسی است که با اتکا به دکترین ولایت فقیه نزد شیعه، بر پایه حکومت ولایتی بیان می‌شود.

۷- فلسفه شیعه: بی‌تردید اهمیت دادن شیعه به عقل‌گرایی، زمینه مناسب رشد تفکرات عقلانی را فراهم آورده است. تفکرات عقلانی نظام‌مند - که در قالب فلسفه اسلامی نمود یافته است - به تبیین مفاهیم اساسی تفکر شیعه از جمله امامت، ولایت و عدالت پرداخته است؛ به‌صورتی که در فلسفه صدرایی، امامت، نه در زمینه‌های کلامی و نقلی، بلکه کاملاً عقلی و فلسفی موضوع بحث است.

۸- وحدت شیعه و سنی: تز حکومت ولایتی شیعه به هیچ‌وجه اندیشه‌های فرقه‌گرایانه نیست، بلکه اندیشه‌های الهیاتی در معنای وسیع آن است. از این رو این تز در بعد الهیات و کلام، از دلایل منطقی و عقلی پیروی می‌کند اما در بعد سیاسی، چون معتقد به اعتدال در روش است، نمی‌تواند در دام اختلافات فرقه‌ای بیفتد؛ فارغ از اینکه برای این اختلافات باید هزینه اجتماعی و سیاسی بسیاری را صرف کند که بازدهی‌های جز تضعیف موقعیت خویش به بار نخواهد آورد. از این رو وحدت مسلمانان یکی از راهکارهای شیعه در جهان امروز است اما این به معنای دست برداشتن از عقاید نیست؛ چرا که جهان‌بینی شیعه بر پایه ولایت است. اما اکنون طرح برخی مسائل تاریخی، با پرداخت‌های عوامانه آن، وحدت سیاسی شیعه و سنی را مخدوش می‌کند و در نهایت، به تضعیف موقعیت اسلام و مسلمان منجر می‌شود.

۹- جهانی شدن: رو بگرد شیعه به مسئله ولایت، چنان قابلیتی برای او فراهم ساخته که می‌تواند به راحتی در راه جهانی شدن کام برآورد. هضم خرده‌مدیته‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها قابلیت سازگاری با شرایط مختلف، بر خورداری از گفتارهای فراگیر که شامل حوزه‌های فردی، اجتماعی و حکومتی است، تأمین اندیشه‌آمیز به زندگی و ارائه طرحی برای زندگی، تأمین حقوق اقلیت‌ها و حقوق مخالفین، توجه‌یابی به حقوق بشر و عمل‌گرایی بر اساس مصلحت‌اندیشی، از جمله مسائلی است که موضوع جهانی شدن را پوشش می‌دهد.

۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

الیوم) نام دارد که در آنجا او نخستین بار اندیشه و روش خود در باب تفسیر را بیان می‌کند که از آن پس به «مکتب ادبی در تفسیر» شهرت یافته است. گفتنی است، برخی تاریخ نگاران مکاتب تفسیری دوره معاصر معتقدند بذرهای نخستین این مکتب را پیش از این، طه حسین -از معاصران وی- در یکی از مقالات خود مطرح کرده بوده است.^(۱)

سرلوحه امین خولی در حیات علمی و فکری اش، این شعار اوست: «اول التجدید قتل القدیماً فهما؛ نخستین گام نواندیشی آن است که فهم گذشته را سربری». اما وی با این شعار به سراغ مفسران سده‌های پیشین نمی‌رود، چه شیوه و فهم همه آنان در اندیشه شیخ محمد عبده کشته شده بودند. وی نقد اصلی خود را این چنین متوجه عبده می‌کند: «در سخنان پیشین راجع به انواع تفسیر، پس از بیان اغراض مختلف مفسران، دیدگاه امام محمد عبده را نقل کردیم که بر اغراض گوناگون ایراد می‌گرفت و معتقد بود نخستین و مهم‌ترین هدف تفسیر آن است که جنبه هدایت و رحمت قرآن را محقق کند و حکمت اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی را به گونه‌ای تبیین کند که جان و دل مومنان را به خود جذب کند. بنابراین مقصد و مقصود حقیقی در نظر عبده کسب هدایت از قرآن است و این بی‌شک مقصدی بسیار مهم برای مسلمانان است. با این همه، در همین نظریه عبده، می‌توان چون و چرا کرد و گفت این امر نخستین هدف و مهم‌ترین مقصد از تفسیر قرآن نیست؛ پیش از این، هدف و مقصدی واجب‌تر قرار دارد که اغراض و مقاصد گوناگون از آنجا سرچشمه می‌گیرند و پیش از هر مقصدی - علمی باشد یا عملی، دنیوی باشد یا اخروی - باید آن هدف را به دست آورد. آن مقصد مقدم‌تر عبارت است از بررسی کتاب و فهم قرآن از آن جهت که بزرگ‌ترین تراث عربی و برترین اثر ادب عربی است. این کتابی است که زبان عربی را جاودانه ساخت، موجودیت آن را پاس داشت، همراه آن جاودانه ماند و فخر این زبان و زینت آن شد. این ویژگی خاص قرآن است که هر عربی - از هر دین و ملتی که باشد - تا زمانی که عربیت خود را درک کند، آن را می‌شناسد.»^(۲)

بنابراین به نظر امین خولی، قرآن مقدس‌ترین کتاب هنری عربی است؛ خواه از منظر دینی بدان بنگریم، خواه نه. وی می‌گوید: «پژوهش در باره قرآن با آن مرتبه والای هنری، با چشم‌پوشی از اعتبار دینی اش، چیزی است که ما و همه ملت‌های (اصیل یا غیر اصیل) عرب، آن را اولین مقصد و هدف نهایی می‌شماریم. آنگاه پس از انجام این پژوهش ادبی، هر کسی - با هر مقصد و هدفی - می‌تواند به سراغ این کتاب برود؛ آنچه می‌خواهد بر دارد، مطلوب خویش برگیرد و در مسئله مورد علاقه اش - خواه احکام فقهی باشد، خواه اعتقادات و اخلاق و اصلاح اجتماعی و مانند آن - بدین کتاب رجوع کند. اما هیچ‌یک از این اهداف ثانوی - چنان که باید و شاید - حاصل نمی‌شود؛ جز آنکه متکی بر پژوهش ادبی درست، کامل و گویا در این یگانه کتاب عربی باشد. به نظر من، چنین پژوهشی را می‌توان امروز تفسیر نامید چرا که بیان اغراض قرآن و فهم معانی آن جز از این طریق ممکن نیست. خلاصه آنکه تفسیر امروزی - به گمان من - پژوهش ادبی با روش‌شناسی صحیح و جامع‌نگر در قرآن کریم است. نخستین هدف تفسیر، فهم ادبی خالص و محض این کتاب است؛ بدون در نظر داشتن هیچ پیش شرط دیگر. بر پایه همین برداشت، راه دست‌یابی و روش تحقیق در تفسیر را ارائه خواهیم کرد.»^(۳)

با این سخنان، امین خولی می‌خواهد تفسیر

قرآن را از اسرائیلیات، آثار تفکر یهودی، تاویلات کلامی معتزله و مخالفان ایشان، غیب‌گویی‌های متصوفه و پانتنیه، نزاع‌های افویان و بلاغیان و تفاسیل فقیهان و اصولیان پاک و پراسته کند؛ به گونه‌ای که قرآن بر اساس قرآن و با در نظر گرفتن مدرکات و فهم نخستین گیرندگان در عصر نزول تفسیر شود و در آن، هیچ پیوندی میان کشفیات جدید علمی و معانی قرآن برقرار نشود.

مبانی تفسیر ادبی در نظر امین خولی

مبانی تفسیر ادبی در نظر امین خولی را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- نخستین هدف تفسیر، فهم ادبی خالص و محض قرآن بدون هیچ پیش شرط دیگر است. تحقق هر هدف و مقصود دیگری بر انجام این امر متوقف است. این اصل، همان نقطه جدایی وی از استادش - عبده - است، هر چند هر سویی ایشان به عکس قداما، در این نقطه متفق‌النظرند که قرآن کتاب تاریخ یا علوم طبیعی، قوانین و احکام خشک حقوقی و مانند آن نیست بلکه برای هدایت و ارشاد آدمیان به سعادت دنیا و آخرت‌شان است.

- ۲- تفسیر ادبی ۲ مرحله دارد؛ یکی پژوهش پیرامون متن قرآنی و دیگری پژوهش در خود متن قرآنی.

- ۳- پژوهش پیرامون متن قرآنی ۲ مرحله دارد؛ خاص و عام. پژوهش خاص پیرامون متن قرآنی به اموری مربوط می‌شود که آنها را اغلب علوم قرآن می‌نامیم؛ اموری مانند تاریخ قرآن، قرائت، نسخ اسباب نزول و مانند آن. اما در باب پژوهش عام پیرامون متن قرآنی، امین خولی تأکید فراوانی دارد بر شناخت فضا و محیط اجتماعی‌ای که قرآن در آن نازل شده، تأثیر گذارده، کتابت و قرائت شده، جمع و تدوین یافته، حفظ و نخستین بار به اهل آن جامعه خطاب شده است. به نظر امین خولی هر چه مزاج قرآن عربی است، فهم مقاصد و دریافت محتوای اصیل آن، تنها با شناخت کامل و شفاف‌سازی این روح عربی و آن ذوق و مزاج عربی ممکن است... هر آنچه انسداد ارتباطی با این جوانب مصادی و اجتماعی عرب در آن روزگار دارد، از جمله ابزارهای ضروری در فهم این قرآن «عربی مبین» به شمار می‌آید. بر اینها باید فضای فرهنگی و معنوی آن عصر به تمام معنای کلمه را نیز بیفزاییم؛ البته مراد گذشته تاریخی آن قوم، نظام خانوادگی و نظام قبیله‌ای شان، یا مجموعه تمام باورها، اعتقادات، هنرها و نوشته‌های برجامانده از آن دوره است. هر آنچه به حیات انسانی و اجتماعی فرهنگ عربی صدر اسلام مربوط است، ابزاری لازم در فهم این قرآن عربی مبین به شمار می‌آید. گفتنی است وی - البته در عمل - هنگام تطبیق روش تفسیری خود چندان به پژوهش پیرامون نص قرآنی با هر دو مرحله‌اش نمی‌پردازد.

- ۴- پژوهش در خود متن قرآنی دارای ۳ مرحله اصلی است:

- الف. تحقیق در مفسرات قرآن با در نظر گرفتن تدرج و تطور دلالت الفاظ در میان نسل‌های مختلف؛ بر این اساس، هیچ‌یک از معانی جدید را نمی‌توان بر الفاظ قرآنی حمل کرد؛ مگر آنکه راه دریافت آن معنا، احساس اصالت زبانی عرب باشد و تنها با تکیه بر دلالت نخستین لفظ در عصر نزول قرآن، به آن معنا دست یافته باشیم. این نکته اخیر، یکی از مبانی و دلایل اصلی امین خولی در مخالفت با تفسیر علمی قرآن است.

- ب. تحقیق در باب ساختار، نحوی آیات؛ این امر البته در نظر امین خولی نیز بدان معنا نیست که صنعت نحو و ظرایف آن، خورد به تنهایی مقصود اصلی از تفسیر قرآن است. وی نحو را صرفاً یکی از ابزارهای مهم برای بیان معنا و

تعیین دلالت جمله می‌داند؛ نه آنکه همچون برخی مفسران گذشته، تفسیر را با انبوهی از دقت‌های شخصی در باب نحو آنباشته کند.^(۴)

- ج. پژوهش بلاغی؛ پژوهش بلاغی نوعی کاوش ادبی و هنری است که زیبایی بیانی در اسلوب قرآن را نشان می‌دهد و شناخت این زیبایی را برای ما مقدر می‌کند، بدین منظور مفسر قرآن لازم آنست که ضمن برخورداری از فهم و تذوق بالای هنر و ادب عربی، ویژگی‌های خاص هر یک از ساختارهای زبان عربی را بشناسد و در ساختارها و اسلوب‌های قرآنی عمیقاً تبحر و تامل داشته باشد تا بتواند موابیای خاص بیان قرآنی را در میان دیگر نوشته‌های عربی دریابد. امین خولی خود چنین پژوهش بلاغی را در باب تعبیر قرآنی «خشیت و خوف» انجام داده است. نگاه بلاغی مورد نظر وی در باب ساختارها و اسلوب‌های قرآن مانند نگرش توصیفی بلاغیان قدیم نیست که می‌کشیدند یکی از اصطلاحات بلاغی را عیناً بر آیه‌ای از قرآن تطبیق کرده و فی‌المثل اثبات می‌کنند که فلان آیه در این نوع بلاغی می‌گنجد، نه آن.^(۵)

- ۵- تفسیر قرآن باید به گونه موضوعی باشد، نه ترتیبی. ترتیب آیات قرآن در مصحف موجود، نه از وحدت و ارتباط موضوعی برخوردار است و نه ترتیب زمانی نزول قرآن را با خود نگاه داشته است. گامی که سخن از یک امر و موضوع واحد در سیاق‌ها و جایگاه‌های متعددی برانگیز شده است. همین ویژگی قرآن کریم بهترین دلیل است که باید قرآن را به گونه موضوعی تفسیر کرد، نه به صورت ترتیبی؛ یعنی باید تمام آیات هم موضوع را از سراسر قرآن گرد هم آورد و با توجه به ترتیب زمانی، اسباب نزول و ویژگی‌های خاص هر یک از آنها، آن موضوع کلی را تفسیر و تبیین کرد. چنین تفسیری، ما را در فهم و دریافت معنای قرآن بیشتر یاری می‌رساند. با این همه، چنانچه مفسری در باب وحدت معنای سوره‌ای یا تناسب آیات آن، دیدگاه خاصی داشته باشد، این دیدگاه باید پس از تفسیر کامل موضوعات مختلف آن سوره آزمون نشود که در این صورت از قوت و دقت بیشتری برخوردار خواهد بود.^(۶) ذکر این نکته در پایان این بخش لازم است که امین خولی بعدها در مقدمه کتاب «من هدهد، القرآن: القادس، الرسال» (قاهره، ۱۹۸۷، ص ۱۰-۱۲) دست‌نخستی دیگری از اصول و مبادی تفسیر ادبی به دست می‌دهد.

نقد و ارزیابی

نخستین ایرادی که می‌توان بر امین خولی گرفت، این است که وی هیچ‌گاه روش خود را به طور کامل بر قرآن تطبیق نکرد.^(۷) تنها کتب تفسیری به‌جای مانده از وی، حاصل سخنرانی‌های رادیویی او در باب تفسیر آیاتی از قرآن است. با کمی مسامحه، می‌توان تفسیرهای ارائه شده از سوی وی در این کتاب‌ها را مثلاً «سیک و روش عبده در تفسیر المنار» دانست. هر چند وی تأکید دارد که این دروس تفسیری را بر مبانی مکتب ادبی در تفسیر غیر ارائه کرده است اما به نظر وی در این باره، چندان پژوهشی در خود متن قرآنی با اقسام سه‌گانه آن نیامده است. مهم‌تر از این، اساساً امین خولی پیش از اقدام به تفسیر، به پژوهش پیرامون متن قرآنی نمی‌پردازد و با آنکه در مقاله «تفسیر» خود همه لغویان و کتب‌های لغت را در دست‌بندی معنای الفاظ و توجیه به تدرج و تطور معنای الفاظ قاصر می‌داند، خود در این تفاسیر موضوعی این نقص را جبران نمی‌کند. علت اصلی این امر، آن است که وی این مجموعه درس‌های تفسیری را به صورت شفاهی و در رادیویی، مصر ارائه کرده و به اقتضای رادیویی بودن آن، نتوانسته است پژوهشی

عمیق و فنی بر پایه مکتب ادبی در تفسیر انجام دهد.^(۸)

اما از همه مهم‌تر نباید از یاد ببریم که بررسی قرآن به مثابه اثری ادبی با تفسیر موضوعی و پاره پاره آن ناسازگار است. همه کسانی که کتاب مقدس را به مثابه اثری ادبی پژوهش کرده‌اند، معتقدند که کتاب مقدس به همین صورت - که امروزه در دست ماست - اثری ادبی است. بعضی صورت و فرم کنونی کتاب مقدس را در پژوهش ادبی کنار نمی‌گذارند؛ بنابراین به تدوین هر یک از بخش‌های آن در زمان‌های مختلف کاری ندارند. به همین سان در باره قرآن می‌توان گفت این کتاب در هیات و ترتیب کنونی اش - مجموع بین‌الفطین - در تاریخ و فرهنگ اسلامی حضور داشته و همین هیات، تأثیر خود را در ذهن ضمیر مسلمانان گذارده است؛ بنابراین در تحلیل ادبی قرآن، توجه به صورت و فرم آن بسیار مهم است. حال اگر بخواهیم ترتیب کنونی را بر هم بزنیم و فقراتی از آن را از درون متن جدا کنیم، به نوعی باستان‌شناسی تاریخی دست زده‌ایم و به جای تحلیل ادبی، تحلیل تاریخی کرده‌ایم که این خود رهیافتی غیر از پژوهش ادبی است.

در پایان، مناسب است به برخی پیروان مکتب ادبی در تفسیر اشاره کنیم که همگی در مصر به تالیف و تدریس مشغول بوخلاند؛ از میان شاگردان و پیروان مکتب ادبی در تفسیر - که روش و مبانی امین خولی را در پژوهش‌های قرآنی خود برگرفته‌اند - نام چند تن مشهورتر از بقیه است. نخست عاتشه عبدالرحمن بنت‌الشاطی - همسر و شاگرد امین خولی - است که کتاب «التفسیر البیانی للقرآن الکریم» (۲ جلد، قاهره، ۱۹۶۸ - ۱۹۶۲) را در تفسیر چند سوره از جزء آخر قرآن کریم تالیف کرد. دیگری محمد احمد خلفالله، مؤلف کتاب «الفن القصصی فی القرآن الکریم» و نفر سوم شکرى محمد عیاد مؤلف کتاب «وصف القرآن الکریم: بوم‌الدین و الحساب» (چاپ اول، قاهره، ۱۹۸۰) است. اما از همه متاخرتر به نام نصر حامد ابوزید نویسنده جنجالی مصری در دهه ۱۹۹۰ برمی‌خوریم که بررسی آرا و نظریات قرآنی او اغلب به کشمکش‌های جدلی موافقان و مخالفان وی تبدیل شده است.

پی‌نوشت‌ها:

1. Johannes M.S. Balijon, Modern Muslim Koran interpretation: 1880-1960, Leiden: E.J. Brill, 1961, p.4-5.
۲. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم، المشهر باسم تفسیر المفسر، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۲۷ قمری / ۱۹۴۵ میلادی، صص ۳۱۱ - ۳۱۰.
۳. مخرومی، محمد باشا، خطرات جمال‌الدین الافغانی و فقه‌های ارائه و افکاره و بیروت، المطبعة العلمیه لیوسف صادر، ۱۹۳۲، ص ۱۶۰.
4. Mohamad Nur Khulis Setiawan, "The Literary Interpretation of the Qur'An; A Study of AmDn al-KhUlD's Thought", paper presented in the Leiden Symposium on "Qur'anic Studies on the Eve of the 21th Century, June 10-12 1998", p. 14- 15.
5. "Exegesis: Modern and Contemporary Period", in The Encyclopaedia of the Qur'An, pp. 124-142, p. 124.
۶. خولی، امین، مناهج تجدی فی النحو و البلاغه و التفسیر، والام، قاهره، الهیة المصریه العلمیه للکتاب، ۱۹۵۲، صص ۴۲۸ - ۴۱۱.
۷. همان، ص ۲۰۴.
۸. برای نمونه‌ای از آن نگاه کنید به بحث و بررسی وی در باب کاربرد کلمه «صفت» در قرآن (ص ۵۱) در القادس الرسال، صص ۱۱۴، ۱۱۳، ۹۰.
۹. نگاه کنید به پژوهش وی در کتاب من هدی القرآن: القادس الرسال، صص ۵۱ و ۵۲. اتجاهات التجدی فی مصر الحدیث، صص ۵۰۹ - ۵۰۵.
۱۰. اتجاهات التجدی فی تفسیر القرآن فی مصر، ص ۵۰۱.
۱۱. رومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، مهج المدرسه العلمیه الحدیثیه فی التفسیر، بیروت، مؤسسه الرسال، ۱۴۱۲، ص ۹۰.
۱۲. من هدی القرآن، صص ۸ و ۱۱۰. اتجاهات التجدی فی مصر الحدیث، ص ۲۱.

